

آموزش‌هایی از فن مبارزه با پلیس سیاسی

۱

تاکتیک "نمونه" پلیس

وراه‌های مقابله با آن

از انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۱۳۶۵ - پنا: ۲۰ ریال

عملیات خرابکارانه توسط جاسوسان، یکی از شیوه‌های جدی "پلیس مخفی" دشمن در تخریب ایدئولوژیک، سیاسی، روانی و فیزیکی در صفوف سازمانهای انقلابی است.

نفوذ جاسوسان پلیس خنجر مهلکی است که مداوماً موجودیت سازمانهای انقلابی را تهدید می‌کند. تجربه نشان می‌دهد هر چاکه خصم طبقاتی موفق به کاربرد موثر این سلاح می‌گردد، کنترل و مهار ضربات وارده و پیامدهای ایدئولوژیک، سیاسی و روانی آن به امری دشوار تبدیل می‌گردد.

در شرایط کنونی کشور ما عوامل متعددی ضرورت تجهیز هر چه گسترده‌تر سازمانهای مخفی به دانش و فن مقابله با نفوذ دشمن را ایجاد می‌کند.

در ادبیات سازمانهای انقلابی کشور در این زمینه کوشش جدی برای جمع‌بندی تجربیات و اطلاعات موجود مشاهده نمی‌شود. از این کمبود دشمن در جهت تخریب در صفوف نیروهای انقلابی استفاده می‌کند.

نیروهای انقلابی در کشور ما بعد از تحمل یک رشته ضربات سنگین، اکنون وارد پروسه بازسازی و تحکیم شبکه‌های مخفی خود گردیده‌اند. در این شرایط خطر نفوذ جاسوسان دشمن بیش از هر زمان دیگری وجود دارد. "ساواک خمینی" با بهره‌برداری از دشواریهای این مرحله از مبارزه حد اکثر کوشش خود را برای کسب "رویهان دویای خود" به درون سازمانهای مخفی بکار می‌گیرد.

پراکندگی و تفرقه در صفوف نیروهای انقلابی و سکتاریسم ریشه دار در جنبش، شرایط مساعدی را برای نفوذ پلیس مخفی خمینی و سرویسهای جاسوسی کشورهای غربی در داخل و خارج از کشور فراهم ساخته است. اسرار بقایت غیر مسئولانه بعضی از سازمانهای مرفعی و انقلابی کشور برای تداوم این وضعیت و تکیه بر منافع گروهی و تنگ نظرانه، آشکار و پنهان مورد بهره‌برداری ساواک رژیم خمینی قرار گرفته و می‌گیرد.

ارگانهای اطلاعاتی رژیم خمینی از تجربه سرکوب خونین سازمانهای انقلابی کشور و از کادریهای کارگشته ساواک شاه برخوردار است. ولی در بین سازمانهای انقلابی موجود همکاری و هم آهنگی موثر در انتقال تجربیات و اطلاعات برای خنثی کردن توطئه‌های پلیس رژیم خمینی مشاهده نمی‌شود.

در حال حاضر بخشی از رهبران، کادرها و اعضا سازمانهای انقلابی کشور که مجبور به اقامت در کشورهای غربی شده‌اند، در معرض خطر مستقیم فعالیت نفوذی سرویسهای اطلاعاتی غرب قرار دارند. این خطر بهیچ وجه کمتر از خطر نفوذ ساواک خمینی در شبکه‌های مخفی درون کشور نیست. سرویسهای اطلاعاتی غرب حساسترین نقطه این سازمانها یعنی ارگانهای رهبری آنها را هدف کار نفوذی خود قرار می‌دهند. اگر این خطر امروز بالقوه است ولی برای فردای جنبش ما امری بسیار مهملک و خطرناک است.

مقابله با نفوذ "پلیس سیاسی" برای هر سازمان انقلابی و برای جنبش خلق دارای اهمیت حیاتی است. هر خورد قاطع و بی‌گیرانه با نفوذ جاسوسان، نشانه جدی بودن یک سازمان سیاسی است. کمینترین یکی از معیارهای بلشویزم در سطح احزاب کمونیستی را کیفیت مبارزه آنها با پلیس سیاسی کشورهای خویش می‌دانست.

ما به پیروی از مصوبات بلنوم فروردین ماه ۱۳۶۵ و با الهام از منافع جنبش انقلابی و طبقه کارگر میهنان همه سازمانهای مرفعی و انقلابی را که درگیر نبود با "پلیس دشمن" هستند، به همکاری، انتقال تجربیات و اطلاعات متقابل فرامی‌خوانیم. این همکاری می‌تواند به مقابله با جاسوسان دشمن و خنثی سازی توطئه‌های آن یاری رساند و به ارتقا تجربیات سازمانهای انقلابی در مبارزه با پلیس سیاسی رژیم خمینی منجر گردد. اشتراک نساعی در مقابله با پلیس سیاسی دشمن، نیاز مبرم جنبش انقلابی میهنان است. با هیچ بهانه و مستسکی نمی‌توان و نباید از تقویت و تحکیم نیروی باید اری و استقامت شبکه‌های انقلابی شانه خالی کرد. هرگونه تئوری‌های و مانع‌تراشی در این زمینه مستقیماً به سود دشمنان طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش میهن است و مسئولیت آن بر دوش کسانی است که حاضر به پذیرش ضرورت همکاری همه جانبه نیستند.

فصل اول - تاکتیک نفوذ پلیس و راهبهای مقابله آن

بخش اول - نفوذ جاسوسان دشمن

شبهه های "پلیس سیاسی" برای "نفوذ"

در کشورهایی که حکومت های ارتجاعی حاکم هستند سرویسهای اطلاعاتی متعدد علیه احزاب و سازمانهای ترقیخواه و انقلابی فعالیت می کنند. علاوه بر "پلیس سیاسی" ارگانهای "جاسوسی" و "ضد جاسوسی" در این فعالیت نقش فعال ایفا می کنند. در بسیاری از این کشورها سازمانهای فوق در یک سازمان متمرکز و هماهنگ می گردند. علاوه بر ارگانهای مزبور، سرویسهای جاسوسی کشورهای سرمایه داری تحت پوششهای دیپلماتیک، تجاری و فرهنگی، فعالیت های مستقلی را علیه نیروهای انقلابی و پرویزه جنبش کمونیستی پیش می برند. بین سرویسهای اطلاعاتی کشورهای امپریالیستی و دولت های ارتجاعی بدرجات مختلف همکاری و هماهنگی وجود دارد.

در حکومت های ارتجاعی و پرویزه در کشورهایی که منطق سرنیزه و کشتار فرمان می راند، بودجه و امکانات عظیمی در اختیار ارگانهایی که وظیفه مبارزه با احزاب ترقیخواه را بر عهده دارند گذاشته می شود. در این کشورها شبکه متشکل از جاسوسان و همکاران رژیم توسط سرویسهای امنیتی برای اطلاع از حیات سیاسی جامعه سازمان داده می شود.

سرویسهای امنیتی می کوشند به شیوه های مختلف، عده ای از افراد کشور را خدمت بگیرند. بخشی از این افراد نه لحاظ اعتقادات سیاسی، عده ای به زور و فشار و برخی در مقابل مستری و بیداش به همکاری با پلیس مخفی جلب می شوند.

پلیس از این شبکه وسیع برای اطلاع از روحیات و نظریات مردم، خرابکاری در اعتراضات اجتماعی، شناسایی عناصر ناراضی، نفوذ بدرون تشکلهای صنفی و طبقاتی و فرهنگی کشف سرنخ از سازمانهای انقلابی و غیره سود می جوید. خضر جدی از سوی این شبکه، حیات سازمانهای انقلابی را پرویزه در شرایط فعالیت مخفی تهدید می کند. اغلب دستگیری های اتفاقی، درگیریهای تصادفی، نفوذهای موضعی و محدود و غیره توسط این شبکه صورت می گیرد.

شبهه دیگر شبکه "عمال ویژه" است. این شبکه زیر نظر بخش مبارزه با احزاب که حساسترین بخش پلیس مخفی است به عنوان وسیله ای برای نفوذ موثر در درون احزاب مورد نظر مورد استفاده قرار می گیرد. این شبکه از درون زندانها تا خارج از کشور امتداد می یابد. مأموران آموزش دیده پلیس و عناصر خائن سازمانهای انقلابی استخوان بندی این شبکه را تشکیل می دهند. در این شبکه مثل یک سازمان مخفی، اصول و مقررات پنهانکاری رعایت می شود. هر مأمور امنیتی مسئول در این شبکه تعدادی از جاسوسان را بطور فردی کنترل و هدایت می کند. قرارها و دیدارها در اغلب موارد در بیرون از ادارات پلیس مخفی و در امکانات مخفی پلیس یا در رستورانها و مکانهای مناسب شهری و خارج از شهری صورت می گیرد. تلفن ها و صندوقهای پستی مخصوص در اختیار جاسوسان این شبکه برای برقراری ارتباطهای ضرور گذاشته می شود. تکنیک های جاسوسی گوناگون در اختیار این عمال قرار می گیرد. دستگاههای کوچک ضبط صدا، میکروفون، دوربین های کوچک عکاسی و غیره از جمله این وسایل است که برای مستند کردن "اطلاعات" مورد استفاده قرار می گیرد. برخی از عمال این شبکه پرویزه مأموران عالی رتبه دوره های مخصوص را برای آشنایی با شبکه کار سازمانهای انقلابی و روشهایی که این سازمانها در مقابله با پلیس از جمله کشف جاسوسان پلیس بکار می گیرند و می گذارند. آنها در چهره های گوناگونی از قبیل دانشجوی کارگر، بیکار، نویسنده، مترجم، روزنامه نویس، کارمند دولت، مبارز حرفه ای و غیره خود را استتار می کنند و در همین چهره ها به سازمانهای مورد نظر نزدیک می شوند.

متناسب با اصلی‌ترین وظیفه‌ای که بر عهده این‌ها گذاشته می‌شود می‌توان آنها را دسته بندی نمود.

۱ - جاسوسان اطلاع دهنده، وظیفه اصلی این‌ها جاسوسان کشف هویت واقعی فعالین انقلابی، آدرس، امکانات و غیره محدود معینی از شبکه مخفی انقلابی است. پلیس اطلاعاتی را که از طریق این افراد بدست می‌آورد از طرق دیگر تکمیل و گسترش می‌دهد. در شرایطی که سازمانهای انقلابی مخفیانه فعالیت می‌کنند این دسته از جاسوسان نقش بسیار مهمی در متلاشی کردن شبکه‌های مخفی آنها ایفا می‌کنند.

۲ - جاسوسانی که وظیفه اصلی آنها نفوذ در رده‌های رهبری است؛ این جاسوسان خطرناک‌ترین بخش عمال پلیس را تشکیل می‌دهند. آنها می‌کوشند بر اساس یک نقشه از پیش تقسیم شده به تدریج خود را به رده‌های رهبری تشکیلات انقلابی برسانند. آنها بعد از رسیدن به هدف، می‌کوشند علاوه بر ضربات فیزیکی در بعد سیاسی و ایدئولوژیک نیز به خرابکاری بپردازند. این عمال می‌توانند اطلاعات بسیار گسترده‌ای را در مورد کلیه اسرار و اطلاعات سری تشکیلات مخفی در اختیار پلیس قرار دهند. پلیس از این اطلاعات به طرق زیر استفاده می‌کند.

- ابراد ضربات وسیع فیزیکی، جلب عناصر ضعیف و متزلزل به همکاری و ایجاد شبکه پلیسی در درون تشکیلات مخفی، تأمین برخی نیازهای مهم تشکیلات مخفی از طریق تزریق امکانات پلیسی به شبکه تشکیلات، شکستن روحیه دستگیرشدگان و بالاخره جنگ روانی و تبلیغاتی بر علیه سازمانهای انقلابی.

از دیگر جاسوسان می‌توان بیرواکناتور، مبلغ تروریست، کارگزار تکنیکهای جاسوسی را نام برد.
شیوه‌های ننه‌د

"پلیس سیاسی" با استفاده از شیوه‌های ذیل در سازمانهای انقلابی نفوذ می‌کند.

۱ - نفوذ از خارج، پلیس از میان "شبه عمال" خود افرادی را انتخاب و در مسیر سازمانهای انقلابی قرار می‌دهد. برنامه نفوذ متناسب با هدف اصلی که بر پلیس تعقیب می‌کند طراحی شده و کلیه اقدامات ضروری برای جلب اعتماد سازمانهای مورد نظر نسبت به این عمال بعمل می‌آید.

۲ - ایجاد گروه پلیسی، پلیس با استفاده از مأموران آموزش دیده و با عناصر مبارزی که تن به یستی و خیانت داده‌اند گروهی به ظاهر انقلابی و مبارز سرهم‌بندی می‌کند. گروه برای کسب اعتبار به برخی فعالیت‌های انقلابی محدود دست می‌زند. بنام آنداختن عناصر مبارز از طریق جذب آنان به گروه و پیدا کردن سرخ فعالین و کادرهای سایر سازمانهای انقلابی به وظیفه دایمی گروه پلیسی بدل می‌گردد. در شرایط معینی اینجاست که فکری و سیاسی در سطح جنبش نیز بر وظایف گروه افزوده می‌شود.

۳ - جلب همکاری عناصر درون تشکیلات، پلیس با توسل به روشهای مختلف می‌کوشد عناصری از درون سازمانهای انقلابی را به همکاری جلب کند. اطلاعاتی که پلیس از طرق گوناگون در مورد سوابق و کاراکتر فعالین انقلابی جمع آوری می‌کند برای جلب عناصر ضعیف مورد استفاده قرار می‌دهد.

استفاده از اسناد جعلی و بدنام کننده برای جلب افراد، توسل به ارعاب و شکنجه و تسبیح از جمله روشهای جنایتکارانه‌ای است که مورد استفاده پلیس قرار می‌گیرد. در شرایط شورا مبارزه انقلابی، برخی عناصر سنت عصر که جریان حوادث آنها را به درون جنبش پرتاب کرده است، برای رهایی خویش از سختی‌ها و مصائب مبارزه، داوطلبانه به پلیس مراجعه می‌کنند. پلیس می‌کوشد آنها را مجدداً به درون سازمانهای مربوطه برگرداند و فعالیت خرابکارانه خود را از طریق آنها به پیش ببرد.

برخی مشخصه‌های فعالیت "جاسوسان پلیس"

تجربه نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلیل موفقیت پلیس در نفوذ به درون سازمانهای رژیم‌ده و عدم هویتاری انقلابی و ضعف جدی این سازمانها در کار بست اصول "کار مخفی" است. بررسی فعالیت جاسوسان دشمن حاکی از آن است که اغلب جاسوسان در حین فعالیت‌شان اشتباهات مهمی را مرتکب

نه اند که در صورت برخورد همتیازانه توسط انقلابیون قابل کشف و شناسایی بوده اند. توجه کنید به مطالب این قسمت که می‌گردد برخی از مهمترین مشخصه‌های فعالیت جاسوسان را توضیح دهد دارای اهمیت عملی جدی در مبارزه با نفوذ پلیسی است.

الف - نقش اصول "کار مخفی"

با توجه به شرایط کار مخفی و حساسیت فعالیت سیاسی به رعایت مسایل امنیتی، این خصوصیات جاسوسان به یکباره آشکار نمی‌شود، بلکه در یک روند تدریجی بروز پیدا می‌کند. این خصوصیت بسته به شرایط مختلف می‌تواند در یکی از اشکال ذیل آشکار شود.

۱ - کنجکاوی در اسرار سازمانی - جاسوسان پلیس به لحاظ طبیعت کار خویش نباید به کنجکاویهای معینی برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر مبادرت کنند. کنجکاری یکی از مهمترین مسایل آنان برای جمع آوری اطلاعات است. جاسوسان کارگشته برخلاف عمال تازه کار، تحت پوششها و زمینه چینی‌های مناسب به این امر مبادرت می‌ورزند. شناخت هویت و آدرس فعالین و امکانات سازمانی، موفقیت تشکیلاتی افراد، سوابق سیاسی و سازمانی و نقاط ضعف و قوت فعالین، سیستم ارتباطی و قرارها مخصوص ارتباط با کمیته‌های رهبری ساختار شبکه مخفی و اشکال سازماندهی از جمله نکات مورد علاقه جاسوسان پلیس است. آنها در بعضی موارد برای پیدا کردن آدرس حتی به تعقیب فعالین متحمل می‌شوند.

۲ - بی انضباطی - جاسوسان پلیس به لحاظ طبیعت حرفه و ماهیت خویش، کتک و شکنجه درونی برای رعایت اصول کار مخفی و فنون مبارزه با پلیس ندارند، آنها نیازی به تأمین امنیت خود در برابر پلیس نمی‌بینند. زیرا خود پلیس اند آنها طبق، آموزشها و رهنمودهای مسئولین خود، برخی اصول کار مخفی را صرفاً به دلیل خام کردن فعالیتی که با آنها در ارتباط هستند و یا برای جلوگیری از روشن شدن ماهیت شان رعایت می‌کنند. رعایت این اصول از چنانچه آنها ملاحظی است و اصولاً در برخی موارد نیز آنها مرتکب نقض آشکار اصول می‌گردند. بنابراین با بذل توجه و هوشیاری می‌توان این امر را تشخیص داد.

ب - تناقض در گفتار و کردار

- جاسوسان دشمن به درجات مختلف به انقلابیگری، تقاضا می‌کنند، آنها معمولاً حرف زیادی می‌زنند ولی کمتر عمل می‌کنند. یکی از شگردهای آنان برای جلب اعتماد دیگران تقاضا به انقلابیگریست، در صورتیکه سیستم کنترل حریفی خوب کار کند می‌توان این خصوصیت آنها را کشف کرد. علی‌رغم این نجارز نباید دچار ساده‌انگاری شد. عامل پلیس در برخی شرایط برای جلب اعتماد سازمان انقلابی می‌گردد که برخی از وظایف محوله را بخواهی انجام دهد. بنابراین در کشف تناقض حرف و عمل باید به وقت عمل کرد و در یک روند معین به کشف آن شایل آمد.

۳ - جاسوسان پلیس علی‌رغم تقاضا به انقلابیگری در پذیرش خاموریت‌هایی که انجام آنها بازتاب وسیع سیاسی پیدا کرده و به نحو محسوسی در تقویت انوریته و وضعیت سازمانهای انقلابی موثر می‌افتد و با وظایفی که انجام آنها با خطرات جانی همراه است پای خود را پس می‌کشند. آنها عموماً با درنگ و تردید به چنین مواردی برخورد می‌کنند نیاز آنها به مشورت با مسئولین خود در این موارد امکان نمی‌دهد که به طور قاطع پذیرای انجام چنین وظایفی گردند. در بعضی شرایط آنها علیرغم پذیرش این مسئولیتها، به بهانه‌های گوناگون از انجام آنها در عمل سرباز می‌زنند و یا به طریقی جلوگیری از پذیرش آنها را می‌گیرند و یا کمک پلیس و با صحنه سازیهای متعدد می‌کوشند شرایط عینی و یا دیگران را مسئول این بی‌عملی و اختلال معرفی کنند.

۴ - جاسوسان پلیس عموماً در زندگی خصوصی خویش، در اخلاقیات، سرگرمیهای شخصی، انتخاب دوستان خانوادگی و غیره معایب عرف و فرهنگ انقلابی و فتاری می‌کنند. فرهنگ حاکم بر زندگی خصوصی آنها با ادعا و تقاضا آنها به انقلابیگری در تضاد می‌باشد. همیشه بدرجات مختلف فساد اخلاقی و حاکمیت معیارهای بورژوازی و وزن سنگینی در زندگی خصوصی آنها دارد.

ج - کوشش برای ایجاد عدم اعتماد

۱ - بهره‌برداری از مشکلات و نقائص بدون تردید در زندگی سازمانهای انقلابی، اشتباهات و ضعف‌های کوچک و بزرگی در ارتباط با خط مشی سیاسی، رهبران و کادرها و غیره می‌تواند سبب گشتن همیشه بدرجات معینی مشکلات و نقائص در فعالیت سازمانهای انقلابی وجود دارند. محییذریقتان و چو آکنده از اعتماد در صفوف سازمانهای انقلابی می‌تواند به حل مشکلات و برطرف کردن ضعف‌ها کمک

شایانی بنماید. هیچ چیزی برای یک سازمان انقلابی قلع کفنده تر از محیط عدم اعتماد نیست. بر چسبته کردن مشکلات و نسبت دادن آنها به ایدئولوژی و استراتژی و تاکتیک سازمان و یا برخی از رهبران و سبیل ای در دست جاسوسان برای تخریب محیط اعتماد می باشد. آنها در شرایط عادی به طرق غیر مستقیم و نامحسوس و در شرایط غیر عادی وقتی که اختلافات و مشکلات سر بلند می کنند، با توسل به شیوه های آشکار می گویند محیط اعتماد و همبستگی را از بین ببرند، وجود دسته بندی، زمینه بسیار مناسبی برای فعالیت جاسوسان دشمن است. آنها در چنین شرایطی با استتار ماهیت فعالیت خود زیر پوشش اختلافات موجود به تشدید فعالیت خرابکارانه می پردازند.

۲- زیر سؤال بردن افراد مومن، عمال پلیس می گویند بطرق مستقیم و غیر مستقیم از جمله ناچل اسناد و پخش شایعات، نسبت دادن نتایج خرابکاریهای خود به دیگران، افراد مومن را زیر سؤال ببرند. این عملیات با اهداف گوناگونی صورت می گیرد. هوار کردن راه ترقی جاسوسان، تعویض مسئولین مومن با عناصری که خیر کمتری برای پلیس دارند، ایجاد محیط سردی برای استتار فعالیت های جاسوسی و کم کردن ردهای احتمالی از جمله این اهداف بحساب می آیند.

د- خرابکاری در اجرای تصمیمات مهم

در مواردی مشاهده می شود که در مراحل حساس اجرای تصمیمات مهم، ناگهان همه چیز خراب می شود، رهنمودها و تصمیمات یا ابلاغ نشده و یا مشکل معشوشی به اجرا گذاشته می شوند. ضربات پلیس در بخشی از حساسترین نقاط تشکیلات شروع و گسترش می یابد. این نشانه ها حاکی از وجود عمال دشمن است. پلیس می گویند با درهم ریختن اوضاع، امکان اجرای تصمیمات مهم را از بین ببرد. گرچه در چنین شرایطی باید اگردن رد جاسوسان امری دشوار است ولی بی گیری غلط این رویدادها می تواند مارا به شناسایی عوامل دشمن نزدیک کند.

شگردهای عمال جاسوس برای جلب اعتماد فعالین سازمانهای انقلابی

- ۱- انتظار به انقلابی گری - فقط در این مورد توضیح داده شد.
- ۲- تهیبت معیانه از مسئولین برای جلب اعتماد آنها - هدف این کوشش پیوسته کردن مدافعین موثر هم برای رفیع مورد شک قرار گرفتن های احتمالی و هم برای هوار کردن راه ارتقا آتی می باشد.
- ۳- امکان سازی، پلیس همیشه می گویند در مورد نیازهای مهم سازمانهای انقلابی و مشکلات آنها اطلاعات کافی بدست آورد. پلیس با تکیه بر این اطلاعات تلاش می کند امکانات را هم برای بالا بردن اعتماد سازمان انقلابی نسبت به جاسوسان خود و هم برای تزریق امکانات پلیسی به درون (اعم از نیروی انسانی، با امکانات مادی و فنی...)، از طریق جاسوسان خود در اختیار سازمان انقلابی مورد نظر قرار دهد.

تجربه نشان می دهد که در برخی موارد امکانات فراهم شده با موقعیت اجتماعی و امکانات شخصی و خانوادگی افراد جاسوس تناسب ندارد. بدین معنی که این امکانات فراتر از آن است که جاسوس پلیس به تنهایی قادر به تدارک و تهیه آنها باشد.

۴- تجربه نشان داده است که در مواردی جاسوسان پلیس برای جلب اعتماد افراد کم تجربه و بیگانه اطلاعات مری از آنها، خود را افرادی مطلع در امور مهم سازمانی نشان می دهند. آنها عموماً به اطلاعاتی دسترسی داشته اند که منطبق با موقعیت سازمانی شان نبوده است. این اطلاعات توسط پلیس و برای جلب اعتماد دیگر فعالین در اختیار جاسوسان گذاشته می شود.

حالات روانی جاسوسان در جریان اجرای ماموریت های مهم

- در مواردی که عمال پلیس موثف یا مجبور به شرکت در ماموریت های مهم می شوند در صورتی که این ماموریت ها توأم با خطر جانی برای وی نبوده ولی با خطر دستگیری همراه باشد بی مهابا و بدون رعایت اصول و شرایط کار به انجام آن می پردازند. مطالعه حالت روحی آنها در چنین شرایطی نشان

می دهد که از واکنشهای طبیعی از قبیل اضطراب، نگرانی، بی قراری و غیره که بدرجات مختلف به افراد دست می دهد نشانی دیده نمی شود. اما در جریان انجام مأموریت هایی که با خطر جانی همراه است در صورتی که بالاچاره به انجام این مأموریت کشیده شوند دچار احساس شدید و بی عملی می گردند (البته آنها علی العموم حاضر به شرکت در چنین مأموریت های نمی شوند و فقط در بعضی شرایط استثنایی و بانظر پلیس مجبور به شرکت می گردند.)

برخی از افرادی که از بین فعالین سازمانهای انقلابی و تحت فشار جزیره بیدیرش همکاری با پلیس می شوند در مراحل اولیه همکاری به درجات مختلف دچار بحرانهای روانی می شوند. آنها بی که هنوز به طور کامل خود را نفروخته اند، بطرق مختلف می کوشند از عذاب وجدان رهایی یابند. دست زدن به خودکشی، انزوا و کناره گیری و غیره از جمله این راههای می باشد.

از نشانه های دیگر که می توان بر مطالب فوق افزود موارد ذیل قابل ذکر است.

- داشتن سوای مبهم و ناروشن در مورد برخی از جاسوسانی که از خارج به درون سازمان انقلابی نفوذ می کنند.

- کوشش برای فاسد کردن افراد زیر دست و یا مسئولین.

- تزویج اطلاعات و اخبار ظاهر مهم ولی بی پایه و غلط.

بخش دوم - راههای مقابله با نفوذ جاسوسان دشمن

کوشش برای جلوگیری از "نفوذ" جاسوسان از بیرون به درون سازمانهای انقلابی

۱ - در تمام شرایط خصوصاً در شرایط فعالیت مخفی، تحقیق کافی در مورد کسانی که داوطلب همکاری در بیرون یا درون تشکیلات هستند یک عنصر حیاتی است. شناسایی کلیه افراد جدید به همکاری فعال باید مشروط به کسب اطلاعات دقیق در مورد زندگی، انگیزه های مبارزاتی، کار آکنزو شخصیت آنها، وضع الهیاتی و غیره باشد. گفته ها و اطلاعات خود این افراد به تنهایی نمی تواند ملاک قضاوت قرار گیرد. بطرق مختلف از جمله از طریق افرادی که با سوای آنها آشنایی نزدیک دارند، باید کوشش کرد که اطلاعات صحیحی در مورد سوای این دسته افراد بدست آید. معاشرت نزدیک با این افراد یکی از مهمترین طرق کسب شناخت زنده می باشد. علیرغم محدودیت های امنیتی با استفاده از اینکار و راههای مختلف می توان وارد روابط مشخصی با عناصر جدید گردید و در یک پروسه زمانی معین به کسب شناخت صحیح در مورد آنها نایل آمد.

۲ - آزمایش افراد جدید، لنین می گفت که در شرایط روسیه برای برپا کردن یک سازمان انقلابی مطمئن، راهی جز آزمایش سخت افراد داوطلب وجود ندارد. این رهنمود شناسایی باید اساس برخورد با افراد داوطلب باشد. بر حسب شرایط عناصر جدید، امکانات تشکیلات و ابتکار مسئولین رابطه می توان راههایی برای آزمایش و ارزیابی روحیات، میزان تعهد و فداکاری، استواری عقیده و غیره... آنها انتخاب کرد. وظیفی که برای آزمایش افراد انتخاب می شوند مجموعه از وظایف انقلابی هستند. در جریان انجام این وظایف باید بطرق مختلف به ارزیابی روحیات و شخصیت داوطلبین پرداخت.

۳ - استفاده از آرشيو مرکزی - هر سازمان انقلابی برای مبارزه موثر با پلیس سیاسی، نیازمند داشتن یک آرشيو مرکزی است. ایجاد این آرشيو تنها در سایه کوشش و بهر خورد فعال هم تعالین تشکیلات در ارائه اطلاعات و گزارشات موثق و مفید به رهبری سازمان امکانپذیر می باشد. مشخصات عناصر جدید باید با استفاده از اطلاعات آرشيو مرکزی مورد کنترل قرار گیرد. دشمن می کوشد برخی از عوامل خود را با مشخصات دیگر افراد و با مشخصات جعلی به درون سازمانهای انقلابی نفوذ دهد. کشف چنین شکردی با استفاده از امکانات مختلف و خلاقیت و ابتکار انقلابیون امکانپذیر است.

۴ - مسئولین رابطه با عناصر جدید باید مراقب سرایت ردهای احتمالی از جنب این افراد باشند. بعد از هر تماس با این افراد باید از فیلترها و مسیرهای کنترلی معینی جهت کشف تعقیب های احتمالی عبور کرد.

۵ - انجام اعمال کنترلی، در صورت وجود ابهام و ناروشنی یا موارد مشکوک در ارتباط با افراد داوطلب نباید با استفاده از اعمال کنترلی به مامیت این عناصر منجر گردد.
(اعمال کنترلی بعد از توضیح داده خواهد شد.)
بدون انجام روند های گفته شده، افراد جدید نباید به تشکیلات جذب شوند.

دشواری کردن شرایط فعالیت جاسوسان در درون تشکیلات و جستجوی نقاط مشکوک

باید این امر را در نظر داشت که دشمن بطرق مختلفی ممکن است بتواند از فعالین تشکیلات عناصری را به همکاری جلب کند، کشف این عناصر همیشه در کوتاه مدت مقدور نیست. بدین جهت باید شرایط حاکم بر تشکیلات بگونه ای باشد که تاثیر فعالیت تخریبی آنها را به حد اقل میزان ممکن تقلیل داده و شرایط فعالیت تشکیلات را به کف مامیت آنها نزدیک تر کند.

۱ - رعایت هندی انضباط و اصول "کار مخفی" و تجربه نشان می دهد هر جا که رعایت این اصول سستی پذیرفته اند عمال پلیس موفق شده اند حد اکثر اطلاعات ممکن را در اختیار پلیس قرار دهند. در شرایط کار مخفی سستی و کاهلی در رعایت این اصول، امری خطرناک برای سازمانهای انقلابی است. فاکتورهای متعدد حاکمیت که علت اصلی بسیاری از موفقیت های پلیس، ضعف انقلابیون در به کار گیری این اصول بوده است، همین بها می آموزد "کسی که در هنر حرفه ای خویش یعنی کار برد اصول کار مخفی و رعایت انضباط حزبی ناشی و بی مهارت باشد انقلابی نیست." هرگونه گذشت و اغماض نسبت به نقض این اصول، امری کاملاً زیانبار و به نفع دشمن است. رعایت بی خدشه و فاطح این اصول عامل بر اهمیت در خنثی سازی فعالیت جاسوسان محسوب می گردد. تلفیق کار مخفی و علنی، ترجیح کیفیت بر کمیت در تمام زمینه ها، رعایت اصل عدم تمرکز در سازماندهی امکانات و نیروها و تقسیم مسئولیت ها، رعایت اصل سربیت با تمام جوانب آن، مقدم ترین و وظیفه کلیه فعالین یک تشکیلات انقلابی در شرایط اختلال و استبداد است. بدون رعایت این اصول هیچ تضمینی برای سر بختی کار انقلابی در کلیه زمینه های مبارزه طبقاتی وجود ندارد.

۲ - مبارزه با هرگونه دست بندی و فرار کپیونیسم، این بدیده در نقطه مقابل انضباط حزبی قرار دارد. رعایت اصول کار مخفی و سایر ترتیب های حزبی در صورت بروز این بدیده خطرناک سستی می پذیرد. عمال دشمن می توانند با استنار مامیت خود، تحت پوشش اختلافات موجود نه تنها به گسترش چو عدم تقاضم و تفرقه دست بزنند، بلکه بر راحتی و معتبرترین اطلاعات ممکن را جمع آوری و بدست دشمن برسانند. کمونیستهای اصول همیشه بر مبنای رعایت انضباط حزبی به حل اختلافات موجود مبادرت می ورزند. این شیوه تنها طریق مطمئن برای دشوار کردن شرایط فعالیت جاسوسان در شرایط بروز اختلافات است.

۳ - دقت کافی در انتخاب افراد برای مسئولیتها، در هر شرایطی علی الخصوص در شرایط کار زیر زمینی برای جلوگیری از افتادن مسئولیتها بدست افراد سست عنصر (کسانی که خطر بالقوه محسوب می شوند) و یا عناصر پلیس باید معیارهای دقیقی در سپردن مسئولیتها به افراد در نظر گرفته شوند. داشتن شناخت دقیق در مورد سوابق این افراد، اطمینان از صلاحیت و صلاحیت شخصی و فکری آنها (این اطمینان تنها در صورتی واقعی خواهد بود که این افراد در شرایط سخت مبارزه آزمایش خود را پس داده باشند) و داشتن تجربه لازم در مبارزه با پلیس سیاسی و آمادگی برای زندگی مخفی از جمله مهمترین معیارهای انتخاب افراد به مسئولیت است. در شرایط بعد از ضربه و در پروسه کوشش برای احیا سازمانهای آسیب دیده، حساسیت در انتخاب افراد مسئول بازم فروزی می پذیرد. در چنین شرایطی زمینه پیش از هر زمان دیگری برای بالا آمدن عوامل پلیس فراهم است.

۴ - برقراری سیستم کنترل و بازرسی، در شرایط فعالیت مخفی به لحاظ حضوریت های امنیتی برقراری چنین سیستمی بر راحتی میسر نیست. نباید با کوشش بی گیر و کاربرد خلاقیت و ابتکار متدهای اطمینان بخشی برای برقراری سیستم کنترل و بازرسی منظم پیدا کرد تجربه نشان داده است که این امر امکان پذیر می باشد. انکار صرف به گزارشات شفاهی یا کتبی افراد از جریان امور کاری است خطا. در بخشهایی که رعایت اصول کار مخفی و انضباط حزبی سستی پذیرفته اند و با تصمیمات بشکل مخدوش اجرا شده اند و با بعشرت کارها مسیر منفی داشته است، نباید با استفاده از راههای مناسب به کشف علل

۵ - ارتقا مدارم هوشیاری و تجربه اعضا باید از طریق مطالعه دایمی شیوه‌های گوناگونی که دشمن در نفوذ دادن عمال خود بکار می‌برد و بررسی چگونگی فعالیت جاسوسان افشا شده دشمن، هوشیاری و تجربه فعالین را بالا ببرد. باید بپذیرد که نقطه ضعفی را که ممکن است در نفوذ دشمن منجر شود پیدا کرده و بر طرف نمود. تجربه و تحلیل عللی که منجر به توفیق دشمن در نفوذ دادن جاسوسان خود به میان فعالین انقلابی می‌گردد می‌تواند زمینه ساز کشف جاسوسان افشا شده دشمن باشد.

۶ - مراقبت دائمی از روحیه فعالین، در شرایط دشوار مبارزه بعضی از فعالین بدلیل مختلف تغییر ماهیت داده و به منبع خطر بالقوه‌ای برای تشکیلات تبدیل می‌گردند. پیوسته این تغییر اغلب به شکل بحران کم و بیش آشکاری در روحیه آنها پدیدار می‌گردد. کشف موقع عناصر بحران زده و بی‌جوری علل بحران آنها و در صورت امکان بازسازی روحیه این افراد و یا کنار گذاشتن موقع آنها می‌تواند یکی از منابع تغذیه دشمن را خشک کند. ارزیابی رفتار و افکار و احساسات، میزان تعهد و حسن مسئولیت و کرباشات و تمایلات شخصی افراد و تألیف دائمی کلیه مسئولین اعضا تشکیلات انقلابی می‌باشد.

۷ - کشف علل ضربات و آلودگیهای تشکیلات، دشمن به یکی از طرق ذیل به کسب آلودگیهای اطلاعات از سازمانهای انقلابی می‌پردازد.

۱- نفوذ

- تعقیب عناصر نورفته

- اطلاعات عناصر زندانی

- کنترل خانواده مبارزین مخفی

- بکارگیری سیستم عمومی کنترل (کنترل مکاتبات و مکالمات، کنترل ترمینالها، مسافرخانه‌ها، پتکامها، اسباب‌کشی‌ها، کارمندان و کارگران جدید استخدام ادارات و کارخانجات، مراکز فروش امکانات مورد نیاز سازمانهای انقلابی و غیره.

- بطور تصادفی

برخی فعالین تمایل دارند که از میان مجموعه فوق، نقش تصادف را بی‌جویی علل ضربات و یا آلودگیها بر بسته کنند. بلیس نیز همیشه می‌کوشد با سخته سازی‌ها و پخش اخبار و شایعات غیر واقعی این تصور را دامن زده و ذهن فعالین را از علل واقعی ضربات منحرف سازد. در شرایط کار زیرزمینی باید ادعا کرد که نبی بردن به علت ضربات، کاری بر حوصله و دشواری است و لی امکان پذیر است. با کوشش بی‌گیری و با جمع آوری تدریجی اطلاعات مفید می‌توان به حقیقت نزدیک می‌شد. ناتوانی در تحلیل علل ضربات، علت اصلی تداوم آلودگیها و ضربات بعدی است. در تحلیل این علل حتماً باید جای مهمی برای پیدا کردن سرخ‌های احتمالی نفوذ در نظر گرفته و کوشش گردد که فعالین دستگیر شده و نشده پخشهای ضربه دیده، یکبار دیگر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند.

۸ - شناسایی و کنترل فعالین ناشناخته - همیشه بدلیل حوادث مختلفی از قبیل نقل و انتقالات، ضربات، قطع ارتباط و غیره، برخی از فعالین برای مسئولین ناشناخته جلوه می‌کنند. شناسایی سریع آنها چه با لحاظ مشکلات عینی امری دشوار است. در چنین شرایطی هیچ راهی بهتر اجرای یک سلسله اعمال کنترلی برای اطمینان از ماهیت این افراد وجود ندارد دشمن در چنین شرایطی با آگاهی به مشکلات تحقیق سریع، می‌کوشد عناصر خود را در میان چهره‌های ناشناخته پنهان سازد.

۹ - کنترل اطلاعات و اخبار، تزویج اطلاعات غلط به تشکیلات یکی از شرکدهای جاسوسان دشمن است. دشمن می‌کوشد با استفاده از برخی عناصر واقعی در این اطلاعات بخش غیر واقعی و ساختگی آنرا استتار کند به همین جهت کنترل هر گونه خبر و اطلاعی که بدست فعالین و مسئولین میرسد برای خفنی ساختن این شرکده دشمن ضروری است، اگر نتیجه بررسی و تحقیق اولیه و یا سایر بعدی اوضاع غلط بودن اطلاعات دریافت شده را ثابت کند باید نسبت به منبع اولیه و گزارشگران این اطلاعات با هوشیاری برخورد شود.

۱۰ - کنترل جاهجویی افراد، یکی از شرکدهای بلیس برای گسترش اطلاعات خود جاهجویی عوامل خود در درون تشکیلات است. در صورتیکه نقل و انتقالات اعضا از یک منطقه به منطقه دیگر از یک مرکز واحد تحت کنترل قرار گیرد. می‌توان انتقالات مکرر و غیر عادی را کشف کرد.

۱ - اقدامات کنترلی، در صورت هوشیاری فعالین و کاربست همه جانبه‌تد ابهر ذکر شده، برخی نمودها در مورد عناصری از فعالین تشکیلات بدست مسئولین خواهد رسید. بصرف دریافت برخی نشانه‌های شک برانگیز نمی‌توان حکم قطعی در مورد افراد صادر کرد. ضرورت اکید دارد که بر اساس دلایل کافی در مورد این افراد به‌نثر روشنی دست یافت. علاوه بر شروع تحقیق در مورد سوابق، رفتار و روابط این افراد در حیطه تحت فعالیت خود، لازمست از طریق اجرای یک سلسله "عملیات کنترلی" برای کسب دلایل کافی اقدام شود.

اقدامات کنترلی چیست؟ اقدامات کنترلی وظایف ویژه‌ای هستند که بر عهده عناصری که مورد تردید و سوءظن قرار گرفته‌اند گذاشته می‌شوند و رفتار آن‌ها در جریان انجام این وظایف بطرق مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. این وظایف عموماً همگون و مشابه و تطبیقی هستند که این افراد قبلاً انجام می‌داده‌اند. ولی می‌توان در موارد خاص و حساس وظایف پیچیده‌تری برای کنترل این افراد بر عهده آنها واگذار کرد.

نکته کلیدی در احاطه این وظایف، آنست که فرد مورد مطالعه به هیچ وجه نباید متوجه نیت، هدف مآشود. چون در این صورت اقدامات ما به شد خودتهدیل خواهند شد. رعایت این اصل بسیار مهم نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و ابتکار و خلاقیت دارد. ناشیگری در هنگام سپردن این مسئولیتها و یا تحقیق بر سر و صدا و بدون زمینه‌سازی قبلی در حول و حوش این افراد می‌تواند آنها را هوشیار و نترس و مانع از رفتن بر آب سازد.

اقدامات کنترلی بسیار بردامنه و متنوع می‌باشند با در نظر گرفتن امکانات، می‌توان یک سلسله از آنها را برای کنترل افراد مورد نظر بکار گرفت.

در کنار اقدامات فوق باید بطرق مناسب تحقیقات معینی در مورد سوابق این افراد و رفتار آنها در حیطه تحت مسئولیتشان (نحوه اطلاع و اجرای تصمیمات، وضع امنیتی افراد زیر دست و افراد راه، آنها و غیره) صورت پذیرد. این تحقیقات باید بی سر و صدا و تحت پوششهای طبیعی و مناسب و بدون ایجاد کوچکترین حساسیتی در فعالین زیر دست این افراد صورت پذیرد.

رفتار با عوامل کشف شده دشمن، بعد از اثبات مأمیت پلیس عناصر مورد تحقیق باید تصمیمات ضروری در مورد چگونگی رفتار با آنها اتخاذ شود. قبل از اجرای این تصمیمات باید بدون جلب توجه پلیس و در لحظه و زمان مناسب کلیه رده‌های مهمی را که ممکن است از طریق این افراد بدست پلیس رسیده باشد کو نمود. با توجه به میزان خیانت عامل کشف شده، سطح، موقعیت و اطلاعات وی می‌توان یکی از تصمیمات ذیل را اتخاذ و به مرحله اجرا گذاشت:

- محدود کردن ارتباطات عنصر نفوذی و قرار دادن وی در یک رابطه کنترل شده ولی ظاهراً مهم و آینده دار این کار با هدفهای معینی می‌تواند صورت بگیرد. - از جمله ایجاد فرصت برای پاک کردن ردهای احتمالی، دادن اطلاعات غلط و گمراه کننده به پلیس.

- اخراج از تشکیلات و انشای آنها در سطح تشکیلات یا در سطح جنبش.

- جلب وی به همکاری بر علیه پلیس، در شرایط و موارد خاصی و در مورد افراد معینی این کار امکانپذیر است.

- از همین بردن جاسوس - در بعضی موارد برای حفظ تشکیلات و کادرها و خنثی کردن اطلاعات عمال جاسوس - هیچ چاره‌ای جز اتخاذ این روش نیست. این اقدام اغلب در مورد عمالی که جرم و خیانتشان به ضربات جدی و به اسارت و شهادت عناصر و کادراهای موثر منجر گردیده باید بکار گرفته شود.

۲ - نفوذ و گسترش کار انقلابی بدرون ارگانهای امنیتی دشمن، هنوز کلی موثرترین راه خنثی سازی، کلیه توطئه‌هایی که "پلیس سیاسی" دشمن برای مبارزه با سازمان‌های انقلابی طراحی و به اجرا می‌گذارد، اطلاع بموقع از چگونگی این توطئه‌هاست و این امر در صورتی میسر و عملی است که سازمانهای انقلابی بر اساس یک کار بر حوصله و طولانی بتوانند بطرق مختلف حضور خود را در برابر امور و درون ارگانهای "تولمه و سرکوب" تامین کنند. گسترش روز افزون ناراضیاتی و اعتراضات مردم از رژیم خمینی از یکسو و وسعت یافتن فعالیت نیروهای انقلابی، امکانات وسیع و بکری و ابهرام رسیدن به هدف فوق‌الذکر فراهم می‌سازد. تلاش در راه رسیدن به این هدف، امری کاملاً مقدس

انسانی، شرافتمندانه و انقلابی است. پیروزی در این امر خلیف، بزرگترین خدمت در جلوگیری از رنج و خویشریزی بی شمار، اسارت و شهادت هزاران رزمنده انقلابی شریفی است که هدفی جز بهروزی و نیکبختی طبقه کارگر و توده های زحمتکش مبین در سر ندارند. توفیق در این هدف بهر میزان ممکن، عامل بسیار موثری در تقویت و نیرومندی سازمانهای مخفی جنبش انقلابی کشور در مقابل رژیم ضد بشری خمینی است.

در شرایط کنونی وظیفه سرکوب سازمانهای کمونیستی و انقلابی کشور بطور عمده بر عهده "ساواک" رژیم خمینی است. ولی کمیته ها، سپاه پاسداران و رکن ۲ ارتش و شهربانی نیز در این رابطه وظایف معینی را بر عهده دارند. بنابراین شناخت دقیق از این هدفها اولین گام در جهت برنامه ریزی صحیح کار است. شناسایی ادارات علنی و مخفی وزارت اطلاعات و دوایر وابسته به آنها در مراکز تولیدی و خدماتی کشور وظایف هر یک از آنها، روسا و ماموران هر قسمت، سابق و کار کرد آنها در رژیم گذشته و رژیم کنونی، چگونگی رابطه اداری دوایر مختلف امنیتی باید یکدیگر و با ارگانهای دولتی دیگر امکانات و روشهای کار آنان و غیره از جمله مسائلی است که باید تعقیب و پی گیری شوند. برای کسب این شناسایی راههای متنوع و گوناگونی وجود دارد. نه تنها در مطبوعات علنی کشور گاهی مطالب قابل استفاده ای درج می شود بلکه در پیرامون و محیط کار و زندگی و روابط فامیلی دوستانه امکانات متنوعی جهت دست یابی به اطلاعات مفید وجود دارد. کسب این شناخت ها امکان می دهد که روش های مناسب برای نزدیک شدن و در نهایت راه یابی به درون ارگان های توطئه و سرکوب جستجو و کشف شود. اکنون یکی از بخش های اصلی وزارت اطلاعات، بخش مبارزه با احزاب سیاسی است. جاسوسان و عمال نفوذی زیر نظارت همین قسمت سازماندهی و هدایت می شوند. کسب اطلاعات و شناخت دقیق از این بخش از مسئولین و ماموران آن گرفته تا امکانات و شیوه های مختلف کار، یک اقدام اولیه برای گسترش کار انقلابی به درون مراکز توطئه و سرکوب دشمن است. جنبش انقلابی کشور مادر زمان رژیم شاه و بعد از انقلاب شرفه های متعددی از کار انقلابی در میان نیروهای سرکوب حکومت های ارتجاعی را در خود ثبت کرده است.

احزاب و سازمان های انقلابی برخی از کشورها، گروه های ویژه ای برای مقابله با جاسوسان دشمن و کشف آنها تشکیل داده اند. یکی از شیوه های کار این گروه ها، تعقیب جاسوسان "شناخته شده و پیدا کردن مراکز هدایت و سازماندهی آنهاست. تجربه نشان داده است که این گروه ها در موارد عدیده ای موفق می شوند با مراقبت از این مراکز و با تعقیب مأمورانی که نفوذ عمال جاسوس را هدایت می کنند، و نیز جاسوسانی را که با این مراکز تماس دارند کشف و شناسایی کنند. آنها هم چنین اغلب اوقات موفق می گردند با گسترش نفوذ انقلابی به درون مراکز جاسوسان دشمن، توطئه های پلیسی آنها را نطفه خنثی سازند.

ما ایمان داریم که دشواریهای موجود بر سر چنین راهی نخواهد توانست مانع عزم و اراده فعالین انقلابی در گسترش نفوذ انقلابی به درون مراکز توطئه دشمن گردد.

فصل دوم - برخی تجارب در مقابله با نفوذ جاسوسان دشمن

تجارب از "نفوذ" ساواک رژیم شاه

۱ - در دهه ۴۰ یکی از گروه های مائولیست خارج از کشور فعالیت خود را به داخل کشور کشاند. سروس نهادنی و تعدادی دیگر از فعالین خارج کشوری در رأس این گروه قرار داشتند. برنامه آنها تدارک و ایجاد پایگاههای روستایی به منظور پیاده کردن تتر محاصره شهرها از طریق دعوت بود. گروه قاهره برای تامین نیازهای مالی و اعطای موجودیت خود به مصادره بانک ایران و انگلیس و دزدیدن سفیر آمریکا در ایران متوکل می شود. در سال ۱۳۵۰ اغلب رهبران گروه به جنگ ساواک می افتند. بعد از دستگیری

سیروس نیاوندی شایعه مقاومت و سپس فراری از بیمارستانی که ظاهرًا بخاطر مدّای عوارض تکنیکه در آن بستری شده بود در بیرون از زندان انتشار می‌یابد. (سال ۱۳۵۱). اولین نشانه حضور وی بغداد بود. بدنحال این رویداد "سازمان رهاپخش" شروع به گسترش فعالیت خود در میان محافل روشنفکری و دانشجویی می‌کند. این گروه ضمن تلاش گسترده برای ترویج ایده‌های مائوئیستی شروع به جذب عناصر مستعد و آماده می‌کند. تدریجاً رهنمودهای منظمی تحت پوششهای گوناگون برای کسب اطلاعات از فعالیت سایر سازمانها و گروههای مبارز و خصوصاً هواداران و فعالین آنها به اعضا گروه داده می‌شود. اطلاعاتی که از این طریق جمع آوری می‌شود توسط نیروی نیاوندی در اختیار ساواک قرار می‌گیرد. ضربه‌ای که ششم بهمن سال ۱۳۵۴ به یکی از تیمهای نظامی سازمان در تهران وارد می‌شود، از طریق ردگیری اطلاعات اولیه‌ای بود که توسط گروه نیاوندی در اختیار ساواک قرار گرفته بود. بعد از مدتی بعضی از کادرهای سالم گروه به سیروس نیاوندی مشکوک می‌شوند - یکی از دلایل مشکوک شدن آنها، مشاهده برخی روابط فاسد بین سیروس نیاوندی با عده‌ای از فعالین زن گروه و برخی روابط مشکوک با عناصر ناشناس بود. این افراد طی جلسه‌ای سری تصمیم می‌گیرند که نیاوندی را دستگیر و بازجویی کنند. این موضوع توسط یکی از شرکت‌کنندگان جلسه به اطلاع سیروس نیاوندی می‌رسد. ساواک با طراحی نقشه جنایتکارانه‌ای طی سلسله عملیات، تمام افرادی را که متوجه ماهیت پلیسی نیاوندی شده بودند، در عرض چند روز از بین می‌برد. در آن روز در روزنامه‌ها اعلام شد که تعدادی از افراد تروریست یک گروه مسلح در درگیری داخلی با همدیگر کشته شدند. بعد از مدتی که دیگر ماهیت پلیسی گروه افشاده بود اکثر اعضا و هواداران گروه دستگیر می‌شوند.

۲ - در سال ۱۳۵۰، "مجاهدین خلق" در جریان تدارک شروع عملیات مسلحانه مورد پیورش ساواک قرار گرفته و اکثر رهبران آن دستگیر شدند. بر طبق اطلاعاتی که توسط سازمان مجاهدین منتشر شد تاریخ اصلی ضربه، یک عنصر پلیس بنام مراد دلقانی بود. دلقانی دارای سابقه مبارزه سیاسی بوده و در زندان با یکی از فعالین مجاهدین رابطه دوستی و آشنایی داشته است. هنگامیکه مجاهدین خلق در تدارک سلاح و مهمات برای شروع عملیات مسلحانه بودند مراد دلقانی بطور تصادفی دوست مجاهد خود را پیدا می‌کند و بعد از اینکه بی‌می‌برد که دوست مجاهدش فعالیت گروهی دارد، مدعی می‌شود که در اس گروهی که دارای امکانات و اسلحه در کردستان است قرار داشته و حاضر به کمک و همکاری است. مجاهدین برای استفاده از امکانات، با وی رابطه فعالی را برقرار می‌کنند. بدین ترتیب پلیس سرخ مهمی برای رسیدن به رهبران مجاهدین و امکانات آنها بدست می‌آورد. طبق اطلاعات موجود، مراد دلقانی در جریان ارتباط خود با مجاهدین در برخی حرکات مشکوک از جمله تعقیب دوست مجاهد خود شرکت می‌کند. ولی این موضوع مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۳ - عباس شهریاری (اسلامی) مرد "هزارچهره ساواک" در اوایل سالهای دهه ۴۰ بعنوان یکی از مسئولین گروههای داخلی حزب توده ایران با مرکز حزب در خارج، در ارتباط قرار می‌گیرد و تا سالهای ۱۳۴۸ به نفع ساواک فعالیت می‌کند و بی‌دراین مدت موفق می‌شود خود را در راس تشکیلات تهران و سایر گروههای حزبی موجود قرار دهد در مدت فعالیت وی طبق زمینه‌سازیهایی ساواک که بدست وی اجرا می‌شود تعدادی از رهبران و مسئولین حزب در سال ۱۳۴۴ به داخل کشانده شده و بعد از مدتی هفتامی که ماموریت خود را اتمام کرده و قصد خروج از کشور را داشتند ظاهر اینطور تصادفی دستگیری گردند. لورفتن چاپ خانه مخفی حزب در سال ۱۳۴۶ نیز از خدمات اسلامی به ساواک بوده است... این اتفاقات مهم همگی تصادفی به مرکز حزب گزارش می‌گردد.

اسلامی موفق می‌شود از طریق تشکیلات تهران سرنخبایی از گروه جزئی بدست آورد. بعد از دستگیری تعدادی از رهبران "گروه جزئی" در سال ۱۳۴۶ رفیق شهید دنیا، ترفیغی مجبور می‌گردد برای اختفای خود با تشکیلات تهران رابطه بگیرد. وی بدون اینکه خود مطلع شود در جنگ ساواک قرار می‌گیرد. از طریق ردگیری قرارهای وی چند نفر دیگر از مسئولین گروه بازداشت می‌گردند. رفیق شهید جزئی و بقیه رهبران دستگیر شده گروه با تحلیل و بررسی ضربات وارده به گروه به ماهیت اسلامی بی‌برده و آثرابه بیرون از زندان اطلاع می‌دهند.

۴ - در سال ۵۱ - ۱۳۵۰ مسعود بنجابی یکی از رهبران ظاهران مقارن و پیر آوازه محفلی که به "مروه فلسطین" شهرت یافت به خدمت ساواک در آمده و تن به خیانت می دهد. تردیدهایی که بعضی از رفقای زندانی در آن هنگام در مورد ما قیبت وی ابراز می کردند مورد توجه قرار نمی گیرد. وی تا آستانه انقلاب همس، اطلاعات زیادی در مورد فعالین و تشکیلات داخل زندان در اختیار ساواک قرار می دهد. این اطلاعات نقش مهمی در اعزام رفیق جزئی و باران وی داشت.

چند گزارش از تلاش ماموران ساواک خمینی برای نفوذ در سازمان ما

گزارش اول، "در تاریخ... وقتی از سر کار برمی گشتم در میدان... و پرووی مغازه... که در ضلع جنوبی میدان قرار دارد شخص مشکوکی توجه مرا بخود جلب کرد. علت مشکوک شدن، دقت نگاههای وی روی چهره من بود. بعد از طی مسیر کوتاهی متوجه شدم که وی مرا تعقیب می کند. بالاخره بعد از مدتی توانستم او جلنگ وی خارج شوم. با توجه به امکاناتی که داشتم ماخرا را همان روز به اطلاع مسئول رابط خویش رساندم. فرصتی برای دیدار و بحث و تصمیم گیری نبود. فردای همان روز تحت تاثیر خستگی ناشی از کار و طبق عادت همیشگی از همان مسیر قبلی روانه منزل شدم. درست در همان محل دیداری شخص مشکوک را دیدم تا فرصت عکس العمل پیدا کنم به من نزدیک شد و ضمن سلام و احوالپرسی نام و مشخصات واقعی مرا به زبان آورد. من در آن زمان مخفی بودم و بانام و مشخصات مستعار کار و زندگی می کردم - من اجازه ای جز اینکه بگویم عوضی گرفته اید نداشتم. وی آدرس خانوادگی، مسولیت سابقم در تشکیلات... را سریعاً ذکر کرد و به ماشین آخرین مدل که در کنار آن دو شخص شیک پوش که تیب آنها عکس الصلی نشان دهم و تا بخود پیایم در وسطادتن از ماموران فوق در صندلی عقب ماشین قرار گرفتیم. نفر اولی صحبت خود را ادامه داد و ماشین حرکت کرد. وی یک ریور شروع به زد کردن اطلاعات دقیقی در مورد یوا این کار من در تشکیلات تا همین اواخر کرد. رئیس ماموران که در پیروی من نشسته بود صحبت وی را ادامه داد و گفت اگر عاقل باشم و با صداقت برخورد کنم چاشم رانجات داده ام."

"من تصور کردم که به سوی یکی از زندان های رژیم می رویم ولی آن مادر چلو یارکی توقف کرده و مرا از ماشین پیاده نمودند. نمیکنی را در گوشه کاملاً خلوت پارک انتخاب کرده و مرا بعد خود نشانندند. نفر اول در حالیکه قیافه متناثری گرفته بود، گفت تو هنوز جوانی و از دنیا کام نگرفته برای رفتن ای که پایانت نیستی و مرگ است، خانواده فقیرت همیشه چشم براه تو هستند، تو در قبال آن ها متعهد و مسول هستی و..."

در حالیکه مغز من شدت سوت می کشید گفتم با این همه اطلاعاتی که از من دارید چرا دستگیر نمی کنید؟ رئیس مامورین گفت تو گمراه شده ای، برطن خیانت کرده ای و... ولی فرصت برای جبران کردن داری، باید صادقانه با ما همکاری کنی... گفتم اطلاعاتی که صادر مورد من دارید همه اش کذب و ساختگی است... مامور اولی پاسخ داد منبع ما کسی است که خودت می شناسی. تازه کسان دیگری هم حرف زده اند و همکاری می کنند گفتم خوب چرا از آنها استفاده نمی کنید، پاسخ مامور اولی این بود که آنها را کامل دوشیده ایم، آنها دیگر به درد نمی خورند کسیکه پایش به زندان رسید کار زیادی در بیرون نمی تواند بکند. ما به افرادی احتیاج داریم که این چنین سابقه ای نداشته باشند. تو الان مورد اعتماد برای سازمان خود هستی. تو باید از موقعیت پیش آمده حسابی استفاده کنی، چشمهایت را باز کن. من تو می گذارد. هنوز زن نگرفته ای. نه زنی، نه خانه ای و نه شغل مناسبی، همیشه در بدر و فراری هستی، تو الان دست ما هستی. تنها راحت هم همکاریست همین و بس. اگر رد کنی، با همین کلت (اشاره به کلت زبرگتس کرد)، یک کلوله حرامت می کنم، البته اول زهرگشت می کلیم. این جووری لذت بیشتر است.

"نمی دانستم چه بگویم. یک سؤال مثل مته مغز من را سوراخ می کرد، چرا من؟! آنها چرا مرا انتخاب کرده اند؟ پرسیدم من چکار باید بکنم. منظور شما از نمی فهم، آقای رئیس در حالیکه پشیمانم زل زده

بود گفت تو باید در همین تشکیلات خودتان برای ما کار کنی و... رنگ صورتت شدت بریده و حالت لرزش خفیفی در دستهای نمایان شده بود، احساس ترس و ضعف می کردم ولی نیرویی از درونم هشدار می داد که باید قوی باشم. حالت غامری من این تصور را در آنها ایجاد کرد که در حال تسلیم هستم، قدری مرا دلداری دادند - از آینده خوب، زن وزندگی و کام گرفتن از دنیا. چندین بار و هر یک بطریقی صحبت کردند. برای ایجاد فرصت چاره را در آن دیدم که ضمن اعلان موافقت اولیه فرست بیشتری برای فکر کردن بخواهم. همین کار را کردم و از آنها خواستم که اولاً امنیت مرا تضمین کنند و قول بدهند که در دم دستکشان کسی نیست که همکاری مرا به سازمانهای سیاسی اطلاع دهد چون در اینصورت رفقایم مرا خواهند کشت و تانیا کار و وتلیف مرا دقیقتر توضیح بدهند. مسئول آنها پاسخ داد که هیچ ترسی نداشته باش ما فقط با هم کار خواهیم کرد. در هیچ وضعیتی و هیچ مقامی نام ترا نخواهد دانست. گزارشهای ترا با شماره مخصوص کدگذاری می کنیم و بدون دادن مشخصات به بالای فرستم، تو حالا باید خوب فکر کنی و یک گزارش دقیق در مورد افراد و امکاناتی که می شناسی تهیه کنی و در قرار بعد می کنیم. با من ویلا یکی از این برادران برافت می آیند. در مراحل بعدی افرادی را به تو معرفی می کنیم که با تشکیلات در هر کجا که ما خواهیم وصل کنی البته این کارها را باید بعداً به تدریج با توافق هم پیش ببریم و... می بینی که کار شاقی نداری. بسیار راحت و ساده، با این کار راحت جان خودت را می خری، افکار احقانه را هم کنار بگذار، مواد یکبارہ فکر فرار نکنی، همه جا با تو هستیم. برو خودت فکرهایت را بکن یا همکاری می کنی یا به جهنم میری. ساعت... روزیکنه همین جایی آبی، یکی از ما سه نفر مقررات می آیم. فقط یکبار دیگر نظر آخرت را بگو تا مطمئن بشویم... حدس زدم که ممکن است ضد صورت داشته باشند و صدایم را ضربه کنند... سوار ماشینم کرد و در همانجایی که دستگیرم کرده بودند پیاده ام کردند."

"حالت پریشان و آشفتگی داشتیم. مدت دو روز تمام به این موضوع فکر می کردم، چند روز بیشتر به روز قرار نمانده بود، با احتیاط از منزل بیرون آمدم تصور می کردم که حتماً تعقیب می کنند. سعی کردم رفتارم بسیار عادی باشد به ترتیبی بود مسئول و ابطر املاقات و ماجرار ابا تمام جزئیات شرح کردم و بعد از اتخاذ تصمیم مناسب دوباره به منزل برگشتم."

گزارش دوم، از طریق رفیق (آ) که در (ب) کار می کرد مطلع شدیم که امکان خوبی برای گسترش ارتباط با رهبری و تقویت انتشارات گروه پیدا شده است. بعد از تحقیق اولیه گزارش رسید که این امکان متعلق به فردی است که ظاهراً از سوی سازمان مأموریت یافته است که برخی از گروههایی را که از نظر ارتباطات و امکانات ضعیف و پراکنده هستند سازمان داده و جمع و جور کند. اطلاعات اولیه ای که این فرد در مورد مراکز ارتباطی خارج و بعضی مایل تشکیلاتی داده بود موجب شده بود که اعتماد نسبی ما جلب شود. اولین کمک وی به ما دادن ماشین پلی کبی بود. این ماشین را در سر قرار تحویل گرفته و بعد از تمهیدات امنیتی لازم به منزل یکی از رفقا منتقل کردیم. با وجود کمک وی هوشیاری حکم می کرد که دقت بیشتری در ارتباط با وی به عمل آید. تصمیم گرفتیم که جریان بطریق ممکن با رهبری سازمان در میان بگذاریم و خواهان جواب بشویم. در عین حال کوشش ما برای شناسایی این فرد ادامه یافت. چند روز بعد از انتقال ماشین به مکان امن، رفقا اطلاع دادند که ماشین به رغم نبودن کار نمی کند. آنها بدون کسب تکلیف از ما خود سرانه تصمیم می گیرند که از خود شخص کمک کننده برای راه انداختن آن کمک بگیرند. وی راه اندازی آنرا منوط به حضور خود در مکان امن می کند و رفقا وی را به مکان می برند و ماشین را می آید. بعد از اطلاع از ماجرا، شبی ما نسبت به این شخص بیشتر برانگیخته می شود، خصوصاً اینکه در نطقه ای که به وی وصل شده بود ۲ مورد تعقیب و مراقبت مشاهده گردیده بود. تصمیم گرفتیم که وی را کنترل کنیم. نقشه معینی برای بی بردن به ما مییت وی طرح کردیم و به اجرا گذاشتیم. طرح بگونه ای بود که در صورت چاسوس بودن این فرد، پلیس منبهور می گردید و وارد عمل شده و امکانات و افرادی که این فرد تا آنموقع از آنها اطلاع داشت مورد حمله قرار دهد. گرچه ما امکانات و احتمالاً یکی دو نفر از افراد هوا داز را از دست می دادیم، ولی در عوض جلو خطر بزرگی را می گرفتیم. ما به دلایلی که توضیح آن ها در این جا مقدور نیست نمی توانستیم نقشه کنترلی کاملاً بی خطری را

طراحی اجرا کنیم. پیش‌بینی مآذرتی از آب درآمد، ویلیس مجهول شد و اراد عمل شود. بخاطر تداوم
قبلی هیچ یک از افراد امکانات اصلی گروه در این رابطه زیر ضرب ثروت و ما موفق ندیم مامیت
پلیسی این فرد را کشف و نقشه پلیس را در رسیدن به هدفهایی که در نظر داشت خنثی کنیم.

گزارش سوم: "در تاریخ ... بعد از مدت‌ها قطع رابطه، روزی در سرکارم مورد مراجعه یکی از فعالین
محلی سازمان قرار گرفتیم. وی مدعی بود که از جانب رفقای مسئول برای تماس و ارتباط با ما فرستاده
شده است. اقبال، اطلاعات و نشانه‌هایی که می‌داد حکایت از درست بودن ادعای وی داشت. من هیچ چیز
تقریباً غیر عادی در رفتار وی نیافتیم. وی فرصت معینی را برای فکر و تصمیم‌گیری تعیین کرده و قرار
گذاشت که دوباره مراجعه کند، من بعد از مدتی تردید و دودلی بالاخره تصمیم گرفتیم جواب مثبت
بدهم ولی فعالیت محدودی را بپذیریم تا در جریان کار بیشتر مطمئن شوم. حدود یکی دو ماه رابطه ما با
مبادله اخبار و نشریات و گزارش از محیط کار ادامه یافت. برای گسترش فعالیت چند بار اطلاعاتی در
مورد افراد مستعد که حاضر به کمک مالی و بخش‌نشریه و غیره باشند از من خواست. قبل از اینکه بتوانیم
این کار را عملی بکنیم وی مسئولیت رابطه با من را به فرد دیگری که من آنشایی چندانی با وی نداشتم
محول کرد. این فرد نیز دورا دور مرا می‌شناخت ولی من تا آنوقت نمی‌دانستم که وی فعالیت سیاسی
دارد. موقعیت شغلی وی بگونه‌ای بود که برایم سؤال ایجاد می‌کرد. بالاخره ترجیح دادم که سؤال
خود را مطرح کنم. پاسخ وی این بود که سازمان از قبل در جریان امر قرار داشته و با هدف معینی یافتن
چنین تغلی را بوی توصیه کرده است. وی بیشتر از مسئول قبلی در مورد گرفتن اطلاعات از هواداران و
افراد مبارز در محله و محیط کار من اصرار داشت. چند بار از وی خواستم تعداد بیشتری نشریه کار و
تراکت برایم بیاورد و یکبار نیز پیشنهاد بخش مشترک آنها را در نقاط شروع و یا جاهای دیگر در محلات
فقرتین مطرح کردم. در مدتی که با وی رابطه داشتم هیچ اضافه شدن نشریه و تراکت که خیلی کمتر از
رقم مورد درخواست من بود پاسخ دیگری نگرفتم. روزی وی ضمن ضرورت گسترش فعالیت
وسایات گیری، آدرس دو نفر را با مشخصات و نشانه‌های دقیق در اختیارم گذاشت و مطرح کرد که آنها
هوادر بود، و باید من برای رابطه با آنها اقدام کنم. وی گفت که یکی از آنها از اقوام نزدیک مسئول

سابق شهر که اکنون مخفی شده است می‌باشد. و این رفیق فشارش کرده که حتماً با وی رابطه برقرار شود.
قرار شد که ابتدا به سراغ این شخص بروم، بعد از راه‌اندازی که وی در مورد جنبش‌های تماس و جلب
اعتقاد وی بمن کرد و تاکید نمود که به او بگویم این رابطه با ساغاس مسئول سابق شهر برقرار شده است.
خوشبختانه تماس من نتیجه نداد و این شخص با ابرازی اعتماد به کفنه‌های من و رد فعالیت سیاسی در
این شرایط مرا ناامید کرد. من جریان را در تماس بعدی با رابطه مطرح کردم. هنوز چند روز از این
ماجرا نگذشته بود که پیغامی از یکی از مسئولین سابق شهر که اکنون مخفی شده بود از طریق فامیل بدستم
رسید وی با من آنشایی دیرینه داشت و خوب مرا می‌شناخت و وی خواسته بود که اگر مایل به همکاری با
سازمان هستم وی ترتیب تماس را بدهد.

من به‌جای آنکه علی‌القاعده با سازمان رابطه داشتم یا بخ فرستادم که با سازمان رابطه داشته و کار
می‌کنم ولی بی‌میل نیستیم که وی را بپذیریم.

از اینکه برای بار دوم با من رابطه گرفته می‌شد قدری متعجب شدم ولی فکر کردم که در شرایط فعلی
دلیلی ندارد که حتماً وی در جریان وصل مجدد رابطه من قرار گرفته باشد. بالاخره بعد از چند روز وی
را ملاقات کرده و ماوقع ماجرای تماس و فعالیتیم را برای درمیان گذاشتم. به لحاظ اعتمادی که به وی
داشتم و مشخصات را بخیر، خودم را با وی طرح کردم و قدری از این مسائل متعجب شد و با اصرار قرار
دیگری را برای یک هفته بعد با من گذاشت. در این قرار وی دو موضوع مهم را مطرح کرد اولی آن بود که
رابطه اول من بعد از ضربات ۶۲ بلافاصله منقطع شده و کنار کشیده و اصرار تشکیلات برای فعالیت
دوباره وی به نتیجه نرسیده و دوم آنکه آخرین رابطه من اصلاً دارای سابقه فعالیت سیاسی و آنهم در
ارتباط با سازمان نبوده است. وی پیشنهاد کرد که برای روشن کردن قضیه تدریجاً و با زمینه قبلی
و اعتماد کم که انکیزه فعالیت نداشته می‌خواهم خود را معرفی کنم و اطلاعاتم را بدهم. با استفاده از
همین دلیل از دادن گزارش و اطلاعاتی که به وی می‌خواهد طفره رفتم. بعد از چندین قرار و زمینه‌سازی
موضوع را مطرح کردم. واکنش وی طبیعی نبود و زیاد ناراحت نشد و فقط از من خواست که قدری بیشتر

فکر کنم و به فکر معرفی خود نهانم و به اصطلاح شرافتمندانه کنار بروم. یک هفته بعد در مسیر منزل یک پیکان سیاه با دو نفر سرنشین در نقطه خلوتی جلوس سبز شد. از من خواستند که سوار بشوم فکر کردم که دیگر همه چیز تمام شده است. در خانه تشریفات و کتابهای سازمان در جای غیر مطمئن قرار داشت. نمی خواستم سوار شوم بالاخره بعد از قدری به کمک سوارم کردند و برخلاف تصور من به جای خانه ما، به طرف زندان حرکت کردیم. برخورد آنها محترمانه و خودمانی بود آنها را از قبل می شناختم بعد از مختصری پرسش از فعالیت من، صریحاً مطرح کردند که باید با آنها کار بکنم. تمام قضایا در یک لحظه بر ایمن مثل روز روشن شد.

ماجرای از آفریقای جنوبی

در آفریقای جنوبی "پلیس مخفی" عملیاتی براه انداخت که ۱۵ سال طول کشید. در طراحی و اجرای این عملیات، سازمان سیا و برخی سازمانهای جاسوسی غرب شرکت داشتند. "کنگره ملی آفریقا" سازمانده مبارزه بر علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی می گویند اهالی سفید پوست کشور آفریقای جنوبی مبارزه خود جلب کند. "کنگره ملی آفریقا" برای این امر اهمیت فراوانی قائل است و پیروزیهای معینی نیز در این زمینه کسب کرده است. پلیس از سیاست و تمایل "کنگره ملی" به جذب سفید پوستان برای طراحی و اجرای نقشه خود استفاده کرد. تعدادی روزنامه نگار سفید پوست توسط پلیس انتخاب و اجیر شدند. آنها امکان یافتند که خود را بعنوان عناصر دمکرات چا بزنند. یکی از این روزنامه نگاران موفق گردید با یکی از اعضای سابقه "کنگره ملی آفریقا" آشنا شود. پلیس مطلع بود که این فرد نفوذ زیادی در "کنگره ملی آفریقا" دارد. وی دچار فقر و تنگدستی بود. روزنامه نگار جاسوس در چهره یک فرد دمکرات و انسان دوست کوشید از طریق کمک مالی، اعتماد وی را بخود جلب کند و بدل بپیرمرد راه یابد. روزنامه نگار جاسوس توسط پیرمرد با فعالین دیگر آشنا شد. یکی از فرزندان پیرمرد هنگامیکه به خاطر فعالیت های ضد نژادپرستی در آستانه دستگیری قرار گرفت. روزنامه نگار با نقشه و اطلاع پلیس به وی کمک کرد که به خارج از کشور بگریزد. بدین ترتیب این جاسوس پلیس مخفی توانست اعتبار روز افزونی در خانواده پیرمرد و محافل اطراف وی کسب کند. وی بعد از مدتی یکی از سازمانهای "کنگره ملی آفریقا" که وظیفه فراری دادن عناصر تحت پیگرد از دست پلیس مخفی آفریقای جنوبی را بر عهده داشت. راه یافت. موفق گردید فعالین موثر این سازمان را شناسایی کند.

پیرمرد پسر کوچکی داشت که روزنامه نگار جاسوس برای اجیر کردن وی نقشه کشیده بود. پلیس با استفاده از اطلاعات روزنامه نگار، با تهدید و فشار موفق شد وی را به همکاری جلب کند. این پسر کوچک نیز در یکی از سازمانهای "کنگره ملی آفریقا" فعالیت می کرد. پلیس مخفی به روزنامه نگار امکان داد که وی به درج مقالاتی بر علیه نژادپرستی بپردازد و سپس وی را بعنوان یک روزنامه نگار مترقی اخراج کرد. روزنامه نگار بعد از اخراج موفق شد در خارج از کشور با تعدادی از زمهبران طراز اول کنگره ملی آفریقا آشنا شود و از طریق برقراری روابط دوستی با یکی از آنها، از آلبوم شخصی وی عکس برداری و مصریات با ارزشی در اختیار پلیس قرار دهد.

او در ادامه فعالیت خود موفق گردید آدرس تعدادی از شخصیت های مبارز و فعالین ضد نژاد پرستی را در آفریقای جنوبی بدست آورده و در اختیار پلیس قرار دهد. وی عاقبت به علت ناعلمی بازنشسته شد و شروع به نوشتن خاطرات خود کرد. او نوشت، "کیف دستی مخصوصی داشتیم که در آن ضبط صوت، دستگاه فرستنده و گیرنده، دوربین عکاسی، جاسازی شده بود."

* * *